

مبانی فلسفی، عرفانی و روایی تعلیم و تربیت*

قهرمان مددلو^۱

چکیده

باتوجه به اهمیت تعلیم و تربیت و نقش سازنده آن در جنبه های مختلف زندگی و تأثیرش در شکوفایی استعداد های نسل جوان و بروز تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی بر اثر آن، توجه و پرداختن به تربیت، امری ضروری و لازم به شمار می رود. از سوی دیگر، تأثیر عمیق و پایدار تربیت در حفظ فرهنگ و ارزش های اسلامی و مذهبی و انتقال آن به نسل های بعدی، شناخت مبانی تعلیم و تربیت و مؤلفه های آن را امری جدی و مسلم می نماید؛ زیرا با شناخت هر یک از این مؤلفه ها و ویژگی ها، انتخاب روش های تربیتی مؤثر امکان پذیر می شود. پرسش اصلی این مقاله، این است که مؤلفه های فلسفی، عرفانی و روایی تعلیم و تربیت، به تفکیک کدام اند؟ برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیلی، ابعاد مختلف تربیت مورد بررسی قرار گرفته و عواملی مانند خلیفه الهی، شناخت انسان، حقیقت جویی، عدالت و کمال طلبی، جزو مؤلفه های مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، به شمار آمده اند و مواردی مانند تأکید بر اصالت باطن، حاکمیت فردمحوری، مرشدمحوری و ترتب و توالی، از جمله مبانی عرفانی تعلیم و تربیت شناسایی شده اند. درحوزه مبانی روایی، موضوعاتی همچون اعتدال، جوان گرایی، نرمی و ملایمت و کرامت و بزرگواری و نیز داشتن و فراهم کردن زمینه مساعد به عنوان مبانی روایی تربیت بحث و معرفی شده اند.

واژگان کلیدی

تعلیم و تربیت، مبانی روایی، مبانی عرفانی و مبانی فلسفی

مقدمه

جهان هستی بر اساس حکمت خداوندی، محل ظهور شایستگی ها و کمالات است و هر موجود، بر اساس استعداد وجودی خویش، حقیقت خود را در زندگی نمودار می سازد و تا حد توانایی، نیروها و قوای ذاتی خود را به فعلیت می رساند. رسیدن به کمال هستی خود بدون وسیله مسیر نیست و وجود نیروهای مختلف از قبیل غرایز، فطرت، استعداد، امکانات طبیعی و منابع انسانی لازمه رسیدن به کمال حقیقی است.

انسان موجودی است که برای به فعلیت رساندن نیروی داخلی موجود، نیازمند عوامل بیرونی است و تا آن عوامل بیرونی تأثیرگذار نباشند، بروز استعداد و قوا و تکامل امکان پذیر نخواهد شد. از جمله عوامل بیرونی که در شکوفایی استعدادها و هدایت انسان نقشی اساسی دارند، وجود انبیا و نیز تعلیم و تربیت انسان در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و اخلاقی هستند.

از آن جا که تعلیم و تربیت روشی برای تکامل انسان هاست، اسلام برای آن اهمیتی ویژه قائل است. از سوی دیگر، هر جا سخن از ارسال رسول است، تعلیم و تربیت و تزکیه را برنامه اصلی آنان قرار می دهد:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ

* این نگاشته، همسو با واحد «فقه الحدیث» در مرکز تخصصی حدیث منتشر می شود.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان مرکز خوی. (Gmadadlou@gmail.com)

لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^۲

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و تزکیه‌شان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با کوشش و تلاش پی‌گیر، تعلیم و تربیت کسب کند و به مقام شایسته انسانی برسد؛ زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهش‌های نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی، نمی‌توان مهار و برطرف کرد.^۳ نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان _ و حتی حیوان _ بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تا کنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند و اگر غلط افتد، وی را به سقوط کشاند؛ زیرا آدمی بر خلاف حیوانات که آگاهی‌ها و نیازهای خود را به صورت غریزی می‌دانند، در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد.^۴

پرسش‌های مهم و اساسی این مقاله عبارت‌اند از:

_ مؤلفه‌های فلسفی تعلیم و تربیت کدام‌اند؟

_ مؤلفه‌های عرفانی تعلیم و تربیت چیست؟

_ مؤلفه‌های روایی تعلیم و تربیت کدام‌اند؟

آن‌چه از کتب و مقالات موجود در این باره به دست می‌آید، نشان می‌دهد مقالات متعددی در زمینه‌های مختلف نوشته شده که هر یک به نوعی با توجه به ذوق و علاقه مؤلف، یکی از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. وجه تمایز این نوشتار نسبت به مقالات دیگر، توجه و پرداختن به مبانی فلسفی، عرفانی و روایی تربیت اسلامی به صورت یک کل منسجم است.

۱. مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی

در این بحث می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که فلسفه تربیت انسان در اسلام چیست و اساساً اسلام چرا برای تربیت انسان، پیامبر ﷺ برانگیخته و برایشان دستوراتی داده است؟ ائمه اطهار علیهم‌السلام در ادامه راه انبیا چه رسالتی به عهده دارند یا از سوی دیگر، فلسفه و جوب تزکیه و تربیت برای انسان چیست؟ در تعلیم و تربیت اسلامی چه مؤلفه‌هایی مبانی فلسفی تربیت را شکل می‌دهند؟

۱-۱. خلیفه‌اللهی

انسان موجودی شگفت‌انگیز است؛ موجودی است که با همه توانایی‌های خود _ در صورت کسب آنان _ مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است که به مقام «خلیفه‌اللهی» برسد و این مسیر جز با تربیت حقیقی میسر نمی‌شود. حقیقت انسان، حقیقتی ملکوتی است و انسان با طی مراتب، قوس نزولی را طی کرده و در این مرتبه خاکی و در پایین‌ترین مراتب قرار گرفته است و با تربیت می‌تواند به حقیقت وجود خویش دست یابد و به والاترین کمالات متصف شود.^۵

۲. سوره جمعه، آیه ۲، ترجمه محمدکاظم معزی.

۳. ضرورت تعلیم و تربیت، ص ۴.

۴. فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۷.

۵. سیری در تربیت اسلامی، ص ۱۷.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾؛ هر آینه انسان را در نیکوترین صورت و هیئت آفریدیم. آن‌گاه او را به پایین‌ترین مراتب نازل کردیم، مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند. پس برای آنها مزدی بی‌پایان (بی‌منت) است.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾؛^۷ یعنی اوست که شما را جانشینان زمینی کرد و برخی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی بالا برد که در آن‌چه به شما داد بیازماید.

امام خمینی علیه السلام درباره عظمت انسان می‌گوید:

اگر ما این معنا را دیدیم که انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت، تا برسد به آن‌جایی که مقام الوهیت است، سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نمی‌بیند. مراتب معنوی انسان و این موجود که قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویت‌ها را در خودش ایجاد بکند با تربیت‌های صحیح، و برسد به یک مقامی که فوق مقام ملائکه‌الله باشد، احتیاجات انسان یک چنین احتیاجی است. انسان مثل یک حیوان نیست که احتیاجش به خوردن و خوابیدن باشد؛ انسان یک موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای این‌که همه جهاتی که در عالم هست، در انسان هست، منتها به طور قوه است، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعلیت پیدا بکند، تحقق پیدا بکند.^۸

۱-۲. شناخت انسان

شناخت انسان، مهم‌ترین امر در تربیت به شمار می‌رود به این‌که حقیقت انسان چیست و این موجود از چه استعداد و ظرفیت وجودی برخوردار است؟ ملکی است یا ملکوتی؟ در جهت‌گیری تربیت، چگونگی رفتار با انسان و سیر انسان به سوی مقصد تربیتی نقش تعیین‌کننده دارد. با توجه به همین جایگاه است که در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام بر شناخت انسان و معرفت نفس تأکید بسیار شده است تا جایی که هیچ شناختی با آن قابل مقایسه نیست.^۹

هدف و نهایت تربیت در اسلام، شناخت خداست و این راه از طریق خود انسان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛^{۱۰}

هر کس خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ؛^{۱۱}

۶. سوره تین، آیه ۴-۶.

۷. سوره انعام، آیه ۱۶۲.

۸. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۸۲.

۹. سیری در تربیت اسلامی، ص ۶۵.

۱۰. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲.

هدف نهایی معرفت، آن است که آدمی خود را بشناسد.

با توجه به آیات و روایات فوق، ده‌ها آیه و روایت دیگر می‌توان فهمید که یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به روش‌های تربیتی درباره انسان، آن است که این موجود شگفت‌آور به توانایی‌های خود پی ببرد و خود را بشناسد و از طریق خودشناسی به معرفه الله برسد.

۳-۱. حقیقت‌جویی

یکی دیگر از دلایل توجه به امر تربیت انسان، بیداری فطرت حقیقت‌جویی در اوست. انسان ذاتاً کنجکاو است و کنجکاو در او فطری است. حقیقت‌جویی، عشق، زیبایی همه از امور فطری به شمار می‌روند.^{۱۲} از این رو برای رسیدن به فطرت خود، او را باید آگاه ساخت و تذکرات لازم را به او داد که به فطرت خود _ که همان حقیقت‌جویی است _ برسد. انسان به سبب ذات خود، در پی آن است که حقایق جهان را درک کند و به راز هستی پی ببرد و به همین دلیل است که خود را به خطر می‌اندازد در اعماق دریاها و اقیانوس‌ها غوطه‌ور می‌شود، دست در لانه مار می‌کند، به بالای کوه‌ها و آتشفشان‌ها و... می‌رود که فطرت حقیقت‌جویی خود را بیابد.

در ارتباط با موضوعات بحث شده می‌توان گفت تربیت باید همسو و هماهنگ با توانایی‌های فطری انسان بوده از حد طاقت و ظرفیت او افزون نباشد.^{۱۳}

۴-۱. عدالت

عدالت واژه‌ای است که به تربیت نیاز دارد؛ چون مردم و جامعه در اثر عدالت، اصلاح می‌شوند، بدی‌ها را فراموش می‌کنند و به قانون گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا هیچ چیز مانند عدالت مقتضی تربیت نیست و این حقیقت به صراحت در سخنان پیشوایان و بزرگان دینی آمده است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

العدلُ حياة؛^{۱۴}

عدالت حیات است.

همچنین می‌فرماید:

بالعدل تُصلح الرعية؛^{۱۵}

مردم به وسیله عدالت اصلاح می‌شوند.

در حکومت ستم، انسان‌ها به خواری کشیده می‌شوند، گناه می‌کنند و دست به تباه‌گری می‌زنند؛ اما در حکومت عدالت، استعدادها شکوفا می‌شود، خرده‌ها به کمال می‌رسد و حکمت و علم فراگیر می‌گردد. بنابراین عدالت بهترین وسیله است که بتوان مردم را از آلودگی‌ها پاک کرد و به راستی و درستی سیر داد. از این‌رو سیر تربیتی پیامبران

۱۱. غرالحکم، ج ۴، ص ۳۷۲.

۱۲. سیری در تربیت اسلامی، ص ۱۰۲.

۱۳. «مبانی تعلیم و تربیت در متون دینی»، ص ۱۱۷.

۱۴. غرالحکم، ج ۱، ص ۲۰.

۱۵. همان، ج ۱، ص ۲۹۲.

این بوده است که با زدودن ستم‌ها و برپا کردن عدالت، حجاب‌های تربیت را پس زنند و آدمیان را به صفات و کمالات الهی متصف کنند.

۵-۱. کمال‌طلبی

غایت تربیت و فلسفه وجود آن _ که هم از آیات و هم از سیره معصومین _ استنباط می‌شود، آن است که استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود و به سوی انسان کامل سیر کند. ملاصدرا اذعان می‌دارد که مقصود نهایی و هدف اصلی از نزول کتاب الهی، دعوت بندگان به سوی خداوند بزرگ است. همچنین مطلوب غایی این است که بنده از حضيض ذلت و خواری به اوج کمال و عرفان ارتقا یابد و راه سفر به سوی خدای تعالی را فراگیرد.^{۱۶} غایت تربیت دینی در سنت معصومین علیهم‌السلام این است که استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود؛ بدین معنا که انسان متصف به اسماء و صفات الهی شود.^{۱۷} خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾^{۱۸}

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

با توجه به معنای آیه و مطالب یادشده، می‌توان فهمید کمال انسان همان رسیدن به خدا و مقام قرب ربوبی است که هدف غایی تربیت به شمار می‌رود. امام خمینی ره در این باره می‌فرماید:

تمام عبادات وسیله است؛ تمام ادعیه وسیله است؛ همه وسیله این است که انسان این لبابش ظاهر بشود. آن‌چه بالقوه است و لب انسان است به فعلیت برسد و انسان بشود. انسان بالقوه، انسان بالفعل بشود؛ انسان طبیعی یک انسان الهی بشود، به طوری که همه چیزش الهی بشود، هر چه می‌بیند، حق ببیند.

بر اساس همین موارد است که ایشان فرمود:

وظیفه معلم، هدایت جامعه است به سوی الله.^{۱۹}

بنابراین می‌توان گفت رسالت همه انبیای الهی و هدف مهم تربیت در اسلام و سیره ائمه علیهم‌السلام آن است که تلاش کنند انسان‌ها را به سوی خدا هدایت کنند؛ یعنی کمال انسان، همان رسیدن به خداوند است. در پایان باید گفت با مراجعه به آیات و روایات مختلف و بررسی هر یک از آنها، به دلایل بیشتری از فردیت یا فلسفه تربیت _ که چستی و چرایی آن است _ می‌رسیم که عبارت است از پرورش نیکو، تقوا، تکریم انسان، شناخت جامعه، تاریخ و طبیعت و... که به دلیل اطاله کلام، تنها به ذکر نام آنها بسنده می‌شود.

۲. مبانی عرفانی تعلیم و تربیت اسلامی

عرفان در لغت به معنای شناخت و آگاهی است و در اصطلاح، به نوع خاصی از معرفت اطلاق می‌شود؛

۱۶. «چالش تربیت اسلامی»، ص ۱۲۳.

۱۷. همان، ص ۱۲۴.

۱۸. سوره انشقاق، آیه ۶.

۱۹. در جست‌وجوی راه و کلام امام، دفتر بیست و دوم، ص ۳۶۴.

نوعی معرفت شهودی و حضوری که از راه اشکال گوناگون سیر و سلوک معنوی به دست می‌آید. موضوع اصلی عرفان اسلامی خدای متعال، اسماء، صفات و افعال است. واژه عرفان، به دو معنا به کار می‌رود: «عرفان نظری» و «عرفان عملی». عرفان نظری _ که گاهی به آن علم مشاهده، علم مکاشفه یا عرفان علمی نیز اطلاق می‌شود _ نوعی جهان‌بینی و بینش عرفانی است که خدانشناسی عرفانی و انسان‌شناسی عرفانی را دربر می‌گیرد.^{۲۰}

در عرفان، روش‌ها و نظریه‌هایی وجود دارد که با کمک آنها می‌توان راه‌هایی جدید در تعلیم و تربیت نشان داد و سازه‌های کارآمدی طراحی کرد که به عنوان آموزش و پرورش نوین در جوامع بشری به اجرا درآیند و نارسایی‌های برنامه‌های عقل‌گرا و سودطلب را نداشته باشند.^{۲۱}

عرفان با دین و قرآن هماهنگ است و در عین حال، امکان لازم برای ارائه نظریه‌ای نوین تعلیم و تربیتی را نیز دارد؛ چرا که از مبانی استواری مانند حضور خدا در ظاهر و باطن، انسانی که دست خداست، عشقی که هستی را فرا گرفته، عقلی که باید در خدمت عشق باشد، کمالی که به اندازه خدا به انسان نزدیک است و محبتی که مشکل‌گشا و ثمره عرفان است تشکیل می‌شود.^{۲۲} «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^{۲۳} «آنهایی که ایمان آوردند شدیدترین عشق و محبت را نسبت به خداوند دارند.» همین محبت برای ارائه نظریه‌ای جامع در تربیت کافی است؛ عشقی که دوسویه که بین خدا و انسان رابطه‌ای مستحکم ایجاد کرده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^{۲۴}

ویژگی‌های تعلیم و تربیت عرفانی

انسان تربیت یافته بر اساس آرمان‌های عرفانی، قصد ماندن و در جا زدن در حوزه نسبیت و کثرت را ندارد؛ بلکه به عکس، در تلاش است پس از کاویدن این حوزه خود را از دست آن خلاص کرده، به قلمرو وحدت وارد شود. این نوع تعلیم و تربیت رو به سوی وحدت و ویژگی‌های آن _ یعنی ثبات، قطعیت و مطلق بودن _ دارد. از این رو در جریان تعلیم و تربیت عرفانی، مرتبی با کمک و نظارت مربی در جست‌وجوی ردپای وحدت از خلال کثرت است.^{۲۵} وحدت‌آفرینی تربیت عرفانی از منظری دیگر نیز قابل بحث است و آن وحدت در رویه است که باعث اتحاد ادیان و مذاهب می‌شود.

وحدت _ که باطن دین به شمار می‌آید _ در نظریه‌های تعلیم و تربیت خود، خدا را در مرکز قرار می‌دهد؛ زیرا خدا را در ظاهر و باطن، آشکار و پنهان و اول و آخر می‌بینید و از جهت درون و بیرون به تربیت انسان اقدام می‌کنند. لویی ماسینیون می‌گوید:

دعوت عرفانی بنا بر قاعده، نتیجه طغیان درونی وجدان بر بی‌عدالتی‌های اجتماعی است؛ آن هم نه تنها بر خطاها و کاستی‌های دیگران، مگر پیش از همه و به‌ویژه بر خطاهای خود و با آرزویی فزاینده در پی پالایش

۲۰. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۳۲۸.

۲۱. «تعلیم و تربیت عرفانی»، ص ۲۳.

۲۲. همان، ص ۲۳.

۲۳. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۲۴. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲۵. «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی»، ص ۷۹.

درون، برای بازجستن خدا به هر بهایی است.^{۲۶}

با چنین دیدگاهی عرفان، ادیان و مذاهب را به هم نزدیک می‌کند و از دشمنی دور می‌سازد. عارفان یک حرف مشترک دارند. المازار بن یهودا، عارف یهودی (م ۱۲۳۰م) می‌گوید:

همه چیز در توست و تو در همه چیزی؛ تو همه چیز را از درون می‌انباری و از بیرون در برش می‌گیری. چیزها که آفریده شدند، تو در همه چیز بودی. پیش از آن که چیزها آفریده شوند، تو همه چیز بودی.^{۲۷}

عارفی مسیحی نیز گفته است:

انسان عشق است؛ همان سان که خدا عشق است. آدمی تنها با برادری نمی‌تواند وجود داشته باشد.^{۲۸}

۲-۱. اصالت باطن در تعلیم و تربیت عرفانی

در این نوع تعلیم و تربیت، سعی بر این است که از وجود ظاهری به باطن برسند. این نوع تربیت به ظواهر بسنده نمی‌کند، بلکه تلاش دارد دانش‌آموز را از درون متحول کند. از این رو در تربیت عرفانی، ارزشیابی بر اساس ملاک‌های ظاهری نیست، بلکه موفقیت در آزمون‌های عملی و واقعی زندگی، ملاک قضاوت و ارزیابی تلقی می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾^{۲۹}

هر آینه شما را بیازماییم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از مال‌ها و جان‌ها؛ و مژده به صبرکنندگان!

آن چه از این آیه به‌ویژه واژه «ثمرات» استنباط می‌شود، ارزشیابی و قضاوت ظاهری نیست، بلکه درونی و عملی است؛ یعنی آن چه به دست آوردیم، بر اساس محصولی است که کسب کرده‌ایم.

بنابراین، قاعده کلی این است که باید درون انسان تحول یابد. این موضوع نیز در تربیت عرفانی و اخلاقی مورد توجه است. از این رو خداوند در تبیین چشم اشکبار مؤمن، دل معرفت یافته او را گواه می‌آورد؛ چنان که برای چشم جامد کافر نیز دل سنگواره او را شاهد می‌طلبد.^{۳۰}

خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾^{۳۱}

گاهی که بشنوند آن چه را فرود آمده است بر پیغمبر، بینی دیدگان‌شان را اشک ریزد بدان چه شناخته‌اند از حق. گویند: پروردگارا! همانا ایمان آوردیم؛ پس ما را با

۲۶. «تعلیم و تربیت عرفانی»، ص ۲۸.

۲۷. همان، ص ۲۸.

۲۸. همان.

۲۹. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۳۰. «بررسی مقایسه‌ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی»، ص ۴۷.

۳۱. سوره مائده، آیه ۸۳.

گواهان بنویس.

۲-۲. فردمحوری در تربیت عرفانی

از جمله اصول تربیتی که تمام اصحاب عرفان عملی خود بدان ملتزم بوده‌اند و شاگردان خود را بدان سفارش می‌کردند، این بود که تربیت عرفانی نیازمند نفوس مستعد است. این‌گونه برنامه‌های سیر و سلوکی را نمی‌توان در اختیار تمام توده‌های مردم نهاد. از این‌رو اساتید عرفان در بیان اسرار عرفانی و برنامه تربیتی خود کاملاً فردمحور عمل می‌کردند. شاید بتوان بر این نکته که تربیت عرفانی نیازمند ظرفیت ویژه‌ای است که تنها برخی از خواص را یارای تحمل آن است، از داستان خضر و موسی علیهما السلام شاهد آورد. هنگامی که موسی بن عمران علیه السلام از جناب خضر علیه السلام در خواست همراهی و بهره‌گیری از تربیت عرفانی ایشان می‌کند، با این پاسخ از سوی ایشان مواجه می‌شود که تو را یارای همراهی با من نیست:^{۳۲}

﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾^{۳۳}

همانا تو نمی‌توانی در کنار من صبر کنی.

۲-۳. مرشدمحور در تربیت عرفانی

این موضوع از اصول اساسی تربیت عرفانی به شمار می‌رود و تأکید دارد که در تربیت، لزوماً مراقبت و عنایت یک استاد یا شیخ ضروری است. وجود شیخ یا استاد در هر نوع تربیتی لازم است؛ مثلاً در تربیت اخلاقی، جسمی و ذهنی به استاد نیاز است. در تربیت اخلاقی، استاد به موعظه و پند می‌پردازد و راهکارهایی ارائه می‌کند؛ اما در تربیت عرفانی هر شخص، به دلیل باطنی بودن سلوک عرفانی، وجود استاد و پیر الزامی است و این موضوع از پیچیدگی مراحل و درونی بودن سیر در تربیت عرفانی نیز سرچشمه می‌گیرد.^{۳۴}

۲-۴. توالی و ترتب در تربیت عرفانی

با توجه به مراحل مقامات و منازل _ که در عرفان وجود دارد _ به تبع از این ترتب و توالی در تربیت عرفانی نیز باید به تربیت مراحل پای‌بند بود. تا وقتی وارد یک مرحله نشدیم، امکان بالا رفتن و صعود به مراتب بالاتر نیست. اصل ترتب در عرفان اشاره به این معنا دارد که پیمودن هر یک از منازل و مقامات، متوقف بر به فعلیت رساندن درجات و منازل قبلی است. این موضوع در کتاب منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری _ که یکی از آثار کلاسیک عرفان عملی به شمار می‌رود _ به خوبی نمایان است. وی در این‌باره می‌گوید:

لا تصح النهايات الا بتصحيح البدايات، كما ان البيئنة لا تقوم الا على الاساس.^{۳۵}

آن‌چه از بررسی متون موجود در این‌باره به دست می‌آید، آن است که تربیت عرفانی بر سیر و سلوک و رعایت ترتب مراتب و درجات تأکید دارد، به گونه‌ای که مراتب پایین، رقیقه‌ای از مراتب بالاست و برای

۳۲. «بررسی مقایسه‌ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی»، ص ۴۹.

۳۳. سوره کهف، آیه ۶۷.

۳۴. «بررسی مقایسه‌ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی»، ص ۵۲.

۳۵. همان.

رسیدن به مراتب بالا، ناگزیر باید مراتب پایین طی گردد.

۳. مبانی روایی تعلیم و تربیت اسلامی

در روایاتی که از سوی پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام درباره تربیت نقل شده است، استنباط های بیشتری می توان در باب روش های صحیح تربیتی و آموزشی و نقش معلم، نقش دانش آموز، نقش محیط و خانواده و والدین، نقش اطرافیان و امکانات و همچنین شیوه های ارائه و سازماندهی و ارزشیابی به دست آورد. در این نوشتار، با توجه به این که پرداختی به هر یک از این موارد در حوصله یک مقاله حتی کتاب خاص است، تنها اصولی که از روایات فهمیده می شود، به عنوان اصول تعلیم و تربیت اسلامی به اختصار بیان می گردد.

۱-۳. اصل میانه روی (اعتدال)

خداوند، امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می کند و می فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^{۳۶}
و این چنین شما را امتی متعادل ساختیم تا بر مردم گواه باشید...

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود که حرکت و فعلی مطلوب به شمار آید. آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می خواند و فرموده است مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی، به گونه ای است که مردمی متعادل تربیت شوند.^{۳۷}
تربیت درست که انسان را به صراط مستقیم سعادت می رساند، راه اعتدال است؛ چنان که مریبان الهی شاگردان خود را در همه وجوه بدان دعوت می کردند. امام باقر علیه السلام فرزند خود، حضرت صادق علیه السلام را به اعتدال فراخوانده و فرموده است:

يَا بَنِيَّ عَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ تَمَحُّوهُمَا؛^{۳۸}

فرزندم! بر تو باد به نیکویی (اعتدال) میان دو بدی (افراط و تفریط) که بدی ها را از بین می برد.

بهترین راه تربیت، اعتدال و میانه روی است؛ راهی که کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن بنا شده است.

علی علیه السلام در این باره می فرماید:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَةُ عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبِيِّ وَ مِنْهَا مَنْفَعُ السُّنَّةِ وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ؛^{۳۹}

انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه، جاده وسیع حق است؛ کتاب خدا و آیین رسول همین راه را توصیه می کند و سنت پیامبر نیز به همین راه اشاره می کند و سرانجام همین جاده، ترازوی کردار همگان است و راه همه بدان منتهی می شود.

با توجه به روایات و آیات می توان گفت اسلام بر پایه اعتدال در همه کارها، به ویژه تعلیم و تربیت تأکید

۳۶. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۳۷. سیری در تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۹۹.

۳۸. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۹۹.

۳۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

دارد و بر همین اساس، مسئولان تعلیم و تربیت اعم از مدیران، معاونان و معلمان و حتی والدین، در تربیت کودکان اعتدال و میانه‌روی در تمامی موضوعات از جمله بیم و امید، نماز و روزه، اخلاق حل تمرین، تشویق، تنبیه و... را پیشه خود سازند.

همه اخلاق نیکو در میانه است که از افراط و تفریطش کرانه است
میانه چون صراط المستقیم است ز هر دو جانبش قصر حجیم است^{۴۰}

۲-۳. جوان‌گرایی

هر چند اسلام سن آموزش را از مهد تا لحد قرار داده و بر اهمیت آموزش و تربیت دینی تا پیش از چهل سالگی توجه کرده است، ولی بر همه مراحل رشد و تکامل انسان، ترتیبی یکسان قایل نشده است؛ برخی دوران را نسبت به بعضی دیگر مقدم داشته و آن را از نظر تربیتی، دارای اهمیتی ویژه به شمار آورده است. در این میان، دوران جوانی برای تعلیم و تربیت دینی حسابی جداگانه دارد.^{۴۱}

جوانان ارزش سرمایه‌گذاری ویژه برای تربیت دارند. آنان به دلیل آن که ذهنی خالی و نامشوش دارند، به سرعت یاد می‌گیرند و آموخته‌هایشان پایدارتر است.^{۴۲}

پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید:

مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ، وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛^{۴۳}
کسی که در جوانی بیاموزد، آموزشش به منزله نقش در سنگ است (ثابت و پایدار می‌ماند) و آن کسی که در بزرگسالی می‌آموزد، آموزشش به منزله نوشتن روی آب است.

تربیت‌پذیری جوانان استثنایی است. آنان برای تربیت، آمادگی فراوان دارند. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزند خود فرمود:

إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ؛
دل نوجوان، مانند زمینی خالی از گیاه و درخت است. هر بذری در آن افشاندن شود می‌پذیرد [و در خود می‌پرورد]. پس [در آغاز جوانی‌ات] به ادب و تربیت تو مبادرت کردم، پیش از آن که [عمرت به درازا بکشد و] دلت سخت شود.

رهبران دینی با احادیث و روایات، از مسئولان امر خواسته‌اند جوانان را محور قرار دهند و برای آنها و تربیت‌شان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا:

هر که در خردی‌اش ادب نکند در بزرگی فلاح از او

۴-۳. نرمی و ملایمت

آیین تربیت در اسلام بر تکالیف شاق بنا نشده است؛ زیرا آیینی متعادل است که بر فطرت آدمی بنا شده و سختی‌های ظاهری آن نیز که با فطرت هماهنگ و سازگار است در ذائقه جان آدمی شیرین و گواراست. همین

۴۰. گلشن راز، ص ۶۱.

۴۱. «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات»، ص ۱۷۷.

۴۲. همان، ص ۱۷۹.

۴۳. الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۰.

۴۴. گلستان سعدی، باب هفتم، حکایت ۳.

موجب می‌شود صفات الهی و خصلت‌های نیک به آسانی و راحتی به دست آید. راه و رسم آیین تربیت محمدی تنها بر امور آسان بنا شده و از خشونت و تندی به دور است.^{۴۵}

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛

خداوند مرا به شریعت و دین حنیف و آسان مبعوث کرده است.^{۴۶}

همچنین می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِينَ اللَّهِ يُسْرٌ؛

ای مردم! همانا دین خدا آسان است.^{۴۷}

با توجه به روایات بالا و ده‌ها روایت دیگر، می‌توان گفت ملایمت و مدارا بهترین شیوه برای نرم کردن دل‌ها و همراه ساختن آن در مسیر تربیت است. هیچ چیز چون ملایمت، رحمت، آسان‌گیری و نرمی در تربیت دل آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی مؤثر نیست. تجربه ثابت کرده است آن‌چه را می‌خواهی به دست آوری، با نرمی و ملایمت، به آسانی به دست خواهی آورد، اما اگر تندخویی کنی، انسان‌ها معمولاً مقاومت می‌کنند و از رسیدن به آن‌چه دوست داری محروم می‌شوی. از این رو بهترین راه ورود به دل‌ها، ایجاد میل و رغبت است که جز بر اساس آیینی ملایم فراهم نمی‌شود. این موضوع بیشتر در مدیریت کلامی به کار معلمان می‌آید که اگر از در ملایمت و نرمی وارد شوند، می‌توانند مسائل و مشکلات را حل کنند؛ ولی اگر تندخویی کنند، کارها خوب پیش نخواهد رفت.

سخت‌گیری و تعصب خامی تا جنینی کار خون‌آشامی

۳-۵. کرامت و بزرگواری

انسان موجودی دارای کرامت ذاتی است، از پستی و فرومایگی پاک است و از اعتلای روحی برخوردار است. او به لحاظ روحی و فطری به کرامت و بزرگواری گرایش دارد و کمالش در این است که کرامتش رشد یا از امور پست دور گردد. رسالت همه پیامبران الهی این بوده است که نفوس انسان‌ها را به کرامت برسانند و آنان را از پستی و حقارت نفس برهانند. پیامبر اکرم ﷺ نیز به کرامت‌های اخلاقی و انسانی دعوت می‌کرد و رسالت آن حضرت این بود که این کرامت را به کمال برساند. آن حضرت فرمود:

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِهَا؛^{۴۸}

بر شما باد به کسب کرامت‌های اخلاقی که همانا خداوند مرا بدان‌ها برانگیخته است.

همچنین می‌فرماید:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^{۴۹}

۴۵. سیری در تربیت اسلامی، ص ۱۷۳.

۴۶. الکافی، ج ۵، ص ۴۹۴.

۴۷. کنز العمال، ج ۳، ص ۴۷.

۴۸. مثنوی معنوی، بیت ۱۲۹۷.

۴۹. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۷۵.

همانا من برای کامل کردن مکارم اخلاقی مبعوث شدم.

امام حسین علیه السلام فرموده است:

يا أيها الناس ناسوا في المكارم؛^{۵۱}

ای مردم! در کسب مکارم اخلاق بر یکدیگر پیش دستی کنید.

از روایات استنباط می شود که انسان باید مورد تکریم قرار گیرد؛ به ویژه در تعلیم و تربیت، باید به مسائل اخلاقی و کرامت انسان ها بیش از پیش توجه کرد و برای آن ارزش قائل شد. از این رو مرییان تعلیم و تربیت باید با ذکر داستان ها و ارائه تمثیل های مختلف و راه های گوناگون کرامت انسان _ که معمولاً از طریق اطاعت و فرمان برداری از خداوند به دست می آید _ کمک کنند انسان به اعتلای روحی برسد و از پستی و فرومایگی پاک شود.

۳-۶ - فراهم کردن زمینه مساعد

اسلام تربیت را فراهم کردن شرایط برای شکوفایی استعدادها می داند. از این رو برای این که شرایط شکوفایی فراهم شود، به زمینه های مساعد توجه می کند و به همین منظور، روش های زیر را پیشنهاد می نماید:

۱. زندگی در محیطی مناسب: زندگی در محیط مناسب، در تربیت دینی انسان بسیار مهم است. امام علی علیه السلام این امر را در تربیت بسیار مهم می داند و در نامه ای به حارث همدانی می فرماید:

در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی که اهل آن از یاد خدا غافل اند و به یکدیگر ستم روا می دارند و بر اطاعت خدا به یکدیگر کمک نمی کنند پرهیز.^{۵۲}

۲. توجه به نقش والدین: والدین کودک نیز از عوامل مؤثر در تربیت به شمار می آیند. امام علی علیه السلام تربیت و ادب آموزی فرزند را از جمله حقوق فرزندان بر والدین می داند و می فرماید:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛^{۵۳}

حق فرزند بر پدر آن است که بر او نام نیکو گذارد و خوب تربیت کند و به او قرآن بیاموزد.

۳. انتخاب دوست مناسب: تأثیر دوست به قدری زیاد است که وقتی دوست کسی را بشناسیم، در شناخت شخصیت خود فرد کافی است؛ چرا که همان خلیقات دوست در فرد متجلی خواهد شد و تأثیر خود را خواهد گذاشت. از سویی هم باید به این نکته توجه کرد که انسان به لحاظ اجتماعی بودنش، ناگزیر از داشتن دوست است.^{۵۴}

امام علی علیه السلام فرمود:

۵۰. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۵۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

۵۲. تربیت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۰.

۵۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۵۴. تربیت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۳.

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ؛^{۵۵}
با نیکان همنشین باش که از زمره آنان شوی.

گنجینه معارف اسلامی _ به‌ویژه در مبحث مبانی روایی _ به اندازه ای غنی و سرشار است که درباره هر موضوع می‌توان ده‌ها مقاله و کتاب نوشت. گفتنی است از طریق تمرکزبخشی به قوای فکری مربی و شناخت شخصیت و تشبیه به خوبان و انتخاب دوست مناسب و... می‌توان زمینه‌ای مساعد برای تربیت فراهم ساخت.

نتیجه‌گیری

خلیفه‌اللهی، شناخت انسان، حقیقت‌جویی، عدالت و کمال‌طلبی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در بعد فلسفی تعلیم و تربیت باید مورد توجه قرار گیرند. فلسفه آموزش‌های جامعه را باید بر اساس این مؤلفه‌ها طراحی کرد و مؤلفه‌هایی مانند توجه به اصالت باطن، حاکمیت فردمحوری، مرشدمحوری و ترتب و توالی از منظر مبانی عرفانی در تعلیم و تربیت باید مورد توجه قرار گیرند و در بعد روایی، اعتدال، جوان‌گرایی، نرمی و ملامت، کرامت و بزرگواری و داشتن یا فراهم کردن زمینه‌های مساعد در تربیت انسان‌ها، مورد توجه و عنایت مربیان و مسئولان تعلیم و تربیت باشد.

- _ نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه: محمد دشتی، بی جا، بی نا، بی تا.
- _ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، بی تا.
- _ بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، محمدباقر مجلسی، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
- _ «بررسی مقایسه‌ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی»، مهدی فصیحی رامندی، مجله معرفت اخلاقی، سال سوم، شماره چهارم، ۱۳۹۱ش.
- _ تربیت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام، مهدی ابوطالبی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۳.
- _ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- _ «تعلیم و تربیت عرفانی»، علی اکبر افراسیاب پور، مجله ادیان و عرفان، شماره ۲۰، ۱۳۸۸ش.
- _ تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- _ «چالش‌های تربیت اسلامی»، محمدحسین کیانی، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۲ش.
- _ الحدیث (روایات تربیتی)، محمدتقی فلسفی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- _ در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر بیست و دوم، امام خمینی علیه السلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
- _ سیری در تربیت اسلامی، علی اکبر دلشاد تهرانی، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۹ش.
- _ صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ش.
- _ ضرورت تعلیم و تربیت، مؤسسه در راه حق، قم، دوره هشتم، شماره ۲، ۱۳۷۷ش.
- _ «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی»، بابک شمشیری، عبدالحسین نقیب‌زاده، مجله دانشور و رفتار، شماره دوازدهم، ۱۳۸۴ش.
- _ فلسفه تعلیم و تربیت، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ش.
- _ کنز العمال فی سخن الاقوال و الافعال، علاء الدین علی متقی الهمندی، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
- _ گلشن راز، محمود شبستری، به اهتمام: صابر کرمانی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۶۱ش.
- _ «مبانی تعلیم و تربیت در متون دینی»، سید محمود مرویان حسینی، نشریه علوم و معارف قرآنی، شماره ۳، ۱۳۸۷ش.
- _ مجموعه آثار (ج ۲۳)، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹ش.